

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال چهارم، شماره چهارم (زمستان ۱۳۹۵)

بیان شاعرانه مضامین قرآنی

در شعر کودک (مطالعه موردی خدانشناسی)

فروغ صهبا^۱
محمد رضا عمران پور^۲
علی اسکندری^۳

چکیده

خدانشناسی یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های فکری کودکان است که تعلیم آن به کودک با ظرافت‌های خاصی همراه است. قرآن و مفاهیم دینی از بزرگ‌ترین پشتوانه‌های انواع شعر فارسی از جمله شعر کودک است. هدف این مقاله بررسی چگونگی شاعرانه ساختن خدانشناسی در شعر کودک و اشعار شاعران معاصر کودک است. انتخاب اشعار به صورت تصادفی و بر اساس گروه سنی «ج» و «د» بوده و این سوالات در مقاله مطرح شده است که نحوه معرفی خدا در شعر کودک چگونه است؟ چه ابزارهایی برای بیان شاعرانه در این راستا بسامد بالایی دارد؟ روش تحقیق، تحلیل محتوایی است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. بحث مقاله در چهار محور اصلی تنظیم شده است که در هر محور شیوه‌های مختلف معرفی خدا به کودک همراه با شگردهای شاعرانه بحث شده است. تشخیص، تشبیه و موسیقی اشعار از عمده‌ترین ابزارهای شاعرانه ساختن مفهوم خدانشناسی در شعر کودک است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، خدانشناسی، شعر کودک، ابزارهای بیان شاعرانه

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

f-sahba@araku.ac.ir

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

m-omranpour@araku.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

eskandari83@gmail.com

۳- نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

مقدمه

به همان اندازه که جنبه محتوایی قرآن کریم متعالی است، به همان اندازه نیز نحوه بیان و ویژگی‌های ادبی آن نیز جایگاه والا و ارزشمندی دارد. این عامل موجب شده قرآن در علوم مختلفی مورد استفاده قرار گیرد تا حدی که برخی معتقدند علوم اسلامی که تعداد آن را متجاوز از سیصد عنوان می‌دانند، مستقیم یا غیرمستقیم از قرآن نشأت گرفته است. (ر.ک. زیدان، ۱۹۸۳، ج ۱: ۳۸). بی‌گمان شعر که به دنبال برجستگی زبان و اندیشه است، از آن استفاده گسترده‌ای داشته است. مفاهیم قرآنی از ابتدای شعر فارسی در اندیشه‌های شاعران و نویسندگان رسوخ یافته و با آن عجین شده است. کمتر شاعری است که تلمیحی به آیات و مفاهیم و داستان‌های قرآن نداشته باشد. علاوه بر جنبه‌های عقیدتی و دینی شاعران که خود مستلزم آشنایی با حفظ آیات و احادیث بوده است، بلندی اندیشه‌ها و تعالیم مذهبی یا تمایل شاعر به تهذیب یا تبرک سخن نیز موجب شده از این پشتوانه عظیم بهره‌بردار. شاعران که به دنبال دست‌مایه‌هایی برای پرداخت و انتقال اندیشه و عواطف شاعرانه خود به شکلی هنری و آراسته و عمیق هستند از حوزه‌های مختلف بهره‌گرفته‌اند و در این میان قرآن از گسترده‌ترین عرصه‌هایی بوده که تخیل و اندیشه شاعر در آن وارد شده است. اگرچه گاهی زیرساخت برخی اشعار برپایه اصطلاحات و مفاهیم قرآن است،

اما نوع پرداخت شاعر چنان بوده که انعکاس مستقیم و محسوس قرآن از آن دریافت نمی‌شود. همچنین ادبیات کودک به دلیل سطح درک و دانش مخاطب، از جمله عرصه‌هایی است که نیازمند برداشت‌های غیرمستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و متعالی قرآن و انتقال آن در فضایی خیالی‌انگیز و کودکانه است.

بیان مسئله

اگرچه تاثیر قرآن بر شعر فارسی امری کاملاً آشکار است، اما شاعران به اقتضای موضوع، لحن کلام، مخاطب‌شناسی و مواردی دیگر، به شیوه‌ها و شگردهای مختلفی از آن بهره‌برده‌اند. خداشناسی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که ذهن کودک را به خود مشغول می‌سازد. مسئله این تحقیق آن است که نشان دهد شاعران ادبیات کودک، چگونه با استفاده از قرآن، این اصل را آموزش داده و از چه شگردهای ادبی و هنری برای شاعرانه ساختن و ایجاد تناسب میان اندیشه و سطح فکری مخاطب استفاده کرده‌اند؟

پیشینه تحقیق

در زمینه تاثیر قرآن بر شعر فارسی تاکنون تحقیقات فراوانی به صورت‌های مختلف مقاله، کتاب و پایان‌نامه انجام گرفته است. فروزانفر فهرستی از آیات و احادیث مثنوی را نگاشته؛ راستگو کتابی در

زمینه تاثیر قرآن و حدیث بر شعر فارسی نوشته است. مقالات زیادی نیز به صورت موردی به خصوص در مورد شاعران مطرح همچون حافظ، صائب، ناصرخسرو و غیره منتشر شده است که عموماً در این آثار، محقق با ذکر ابیات شاعر، نشان داده به کدام آیه و حدیث اشاره داشته و به کدام یک از صورت‌های تلمیح، تضمین، اقتباس، حل و غیره انجام گرفته است. اما بنا به جستجویی که انجام گرفت، تاکنون تحقیقی که این موضوع را در ادبیات کودک با تاکید بر شگردهای شاعرانه‌سازی مفاهیم انجام گرفته باشد، یافت نشد.

خداشناسی و کودک

انسان به طور فطری خداجوست و همین میل فطری او را به سمت خدا می کشاند. خداوند می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (روم/ آیه ۳۰)

ارزش و اهمیت خداشناسی منجر به شناخت راه‌های خداشناسی می شود، «به طور کلی دو نوع شناخت قابل تصور است: حصولی و حضوری. شناخت حصولی یعنی شناخت خدا به واسطه عقل، برهان و استدلال و شناخت حضوری به این معنی است که ما خدا را بی واسطه و با شهود بشناسیم.» (سیدهاشمی، ۱۳۸۰: ۲۹) قرآن کریم مرجع و منبع آموزه های دینی و راه های خداشناسی است که در آیات متعدد از مردم می خواهد با تفکر و توجه در پدیده های پیرامون خود خدا را بشناسید: «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ- به زودی نشانه های خود را در افق ها [ی گوناگون] و در دل هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟» (فصلت/ ۵۳)

بهترین زمان یاددادن مفهوم خدا در دوران کودکی است آشنایی و اعتقاد به خدا برای او هویت بخش است. این آشنایی کودک با خدا نه تنها از بُعد مذهبی ارزشمند است بلکه تربیت دینی نوعی تربیت شخصیتی است؛ زیرا دین انسان ساز است. حال آنچه اهمیت دارد شگردهای آموزش خداشناسی به کودک است و اینکه به چه شیوه ای این مفاهیم را به او القا کنیم که هم اثر بخش و هم کودک به آن علاقه مند باشد. بدیهی است «اندیشیدن درباره خدا امری دستوری نیست؛ بلکه یک فرایند اجتماعی و تدریجی است که در طول دوره رشد برای کودک اتفاق می افتد... و به اندازه زیادی

در یک تعامل اجتماعی صورت می‌گیرد.» (نوذری، ۱۳۹۰: ۱۸۱) و آن گونه که خدا را به بزرگسالان آموزش می‌دهیم برای کودکان موثر نیست، چون ذهن کودک در حال رشد و شکوفایی است و تصورات متفاوتی با ذهن بزرگان دارد. باید خدا و خداشناسی متناسب با درک، فهم و مراحل زبان‌شناسی کودک باشد. باید دانست که در هر مرحله سنی چه مفاهیمی را و به چه شیوه‌ای به کودکان یاد داد.

کودکان با محدودیت‌هایی در زمینه شناخت روبه‌رو هستند. آنان به تناسب سن و میزان تحول عقل و شناخت خود، از مفاهیم برداشت‌هایی دارند. راه خداجویی و شناخت خدا به کودک از درون خانواده شکل می‌گیرد و در آموزه‌های اسلام آشنا ساختن با مفاهیم دینی و جنبه‌های رفتاری آن و نیز راهنمایی او به سوی خدا، از وظایف پدر و مادر شمرده شده است؛ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (طه/۱۳۲). در حدود سه-چهار سالگی بچه‌ها نام خداوند را یاد می‌گیرند و اگر افراد خانواده رفتار مذهبی داشته باشند، کودک مذهب و رفتار مذهبی را می‌آموزد. مراحل رشد شناختی، در تبیین شکل‌گیری مفهوم خداوند در کودکان سهم ویژه‌ای دارد. از دیدگاه تحول شناختی، ادراک مفهوم خداوند در کودکان از مراحل می‌گذرد. مثلاً درباره مفهوم خدا، کودک وی را موجودی مادی و حتی به صورت یک انسان تصور می‌کند. بنابراین، برای خدا دست و پا و سر و صورت قائل است. هم‌چنین برایش خانه‌ای تصور می‌کند که همان بهشت است و از آن‌جا به کارهای ما نگاه می‌کند و مواظب ماست یا از بهشت به زمین می‌آید تا کارهای ما را درست کند، یا بهشت را باغ بزرگی می‌داند که انواع وسایل بازی و خوراکی دارد و می‌توان در آنجا بازی کرد و خوش حال شد یا درباره جهنم، آن را جایی می‌داند که آتش بسیاری دارد یا درباره شیطان، او را آدم زشتی تصور می‌کند که روی سرش شاخ دارد. البته باید یادآور شد که کودک این موضوع‌ها را براساس گفته‌ها و شنیده‌ها تصور می‌کند.

بر اساس نظریه رشدشناختی، خدای کودک، در ابتدا انسانی است که در آسمان زندگی می‌کند. این انسان، به تدریج به سمبلی تبدیل می‌شود که شکل ندارد، جسمانی نیست، اما همه چیز را می‌داند و بر همه چیز توانایی دارد و در نهایت به یک مفهوم انتزاعی تبدیل می‌شود. (ر.ک. رسول زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳) خداشناسی یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های فکری کودکان است که تعلیم آن به کودک با ظرافت‌های خاصی همراه است. قیصرامین‌پور در شعری این دغدغه را به خوبی نشان می‌دهد:

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا / خانه‌ای دارد کنار ابرها/ مثل قصر پادشاه قصه‌ها / خشتی از الماس و خشتی از طلا/ پایه‌های برجش از عاج و بلور / بر سر تختی نشسته با غرور/ ماه، برق کوچکی از تاج او / هر ستاره، پولکی از تاج او. (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۲)

وی معتقد است ذهن جستجوگر کودک را نباید از پرسش در مورد خداوند باز داشت و الا تصویری غلط خواهد یافت و به جای آنکه مهربانی خالق هستی در وجود او شکل بگیرد و عشق بورزد، از خداوند حس وحشت خواهد داشت. از این منظر اگرچه به صفات خشم و مهربانی خداوند در قرآن اشاره شده، اما شاعر معتقد است باید برای کودک از مهربانی خداوند سخن گفت نه از خشم، چراکه ذهنیت او هنوز برای این امر پرورده نشده است و البته این موضوع نیز مطابق است با حدیث قدسی "سَبَبَتْ رَحْمَتِي مِنْ غَضَبِي" (ر.ک. فروزانفر، ۱۳۷۶: ۱۱۴):

هر چه می پرسیدم، از خود، از خدا / از زمین، از آسمان، از ابرها / زود می گفتند: این کار خداست / پرس و جو از کار او کاری خطاست / هرچه می پرسی، جوابش آتش است / آب اگر خوردی، عذابش آتش است / تا خطا کردی، عذابت می کند / در میان آتش، آبت می کند / نیت من، در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا / هر چه می کردم، همه از ترس بود / مثل از برکردن یک درس بود... / گفت: آری، خانه او بی ریاست / فرش هایش از گلیم و بوریاست / مهربان و ساده و بی کینه است / مثل نوری در دل آینه است / عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش روشنی. (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۷) و خداوند خود را در قرآن اینگونه معرفی می کند «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (نور/۳۵)

چگونگی انتقال خدا و راههای خداشناسی به کودک اهمیت بسیاری دارد. «از آنجایی که مفهوم خدا، مفهومی تحولی و وابسته به سن و ظرفیت های ذهن کودکان است. نخست کودکان خدا را با گرایش هایی نظیر جاندار پنداری، ساخته پنداری و انسان پنداری درک می کنند و سپس واجد تفکر واقع نگر و انتزاعی می شوند.» (اسکندری، ۱۳۷۳: ۸) اگر خدا را آن گونه که ما بزرگترها درک می کنیم، به او نشان دهیم و از مضامین و راه های کلیشه ای استفاده کنیم، کودک علاقه ای به یادگیری این مفهوم نشان نخواهد داد. بلکه باید راه های تازه را سنجید؛ مثلاً از بیان غیر مستقیم کمک گرفت و خود کودک را در جریان یادگیری شرکت داد و از راه عشق و مهربانی این مفهوم را به او القا کرد؛ زیرا آنچه کودک بیش از هر چیز دیگر به آن احتیاج دارد، عشق و مهربانی است (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۵۳) از این منظر، ادبیات می تواند راهی مناسب، برای یادگیری این گونه مفاهیم باشد. در گونه های ادبی رایج، یعنی شعر و داستان، شعر به دلیل ویژگی های زیبایی شناسانه مانند: موسیقی و صور خیال و بار عاطفی زیاد می تواند نقش مؤثرتری در آموزش مفهوم خدا به کودک داشته باشد. بنابراین ما نیازمند تعامل معنوی با کودک از طریق ادبیات و هنر کودکان هستیم.

در این مقاله اشعار شاعران برجسته و مشهور شعر کودک را از منظر چگونگی آشناساختن کودکان با خدا و راههای آموزش خداشناسی به کودک بررسی می کنیم. این شاعران با اندیشه و الگو گرفتن از

آیات قرآن (رک. ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۶) مفاهیم خداشناسی را متناسب با درک و فهم کودک و با شگرد کودکانه کردن زبان و مفاهیم قرآنی، آن را به کودکان آموزش می‌دهند. در این اشعار خدا با رویکردی عاطفی به کودک معرفی می‌شود به گونه‌ای که شاعر به جای کودک می‌نشیند، به جای او و با زبان او شعر می‌سراید و این امر، بار عاطفی شعر را بیشتر می‌کند. گفتنی است که تاثیرگذاری شعر، بسیار مدیون شیوه بیان آن است. در ادامه روش‌های شاعرانه ساختن مضامین قرآنی در چند محور اصلی بحث می‌شود:

۱- خداشناسی از طریق مظاهر آشنای طبیعت متناسب با حوزه ذهنی کودک

خداشناسی و تمایل به ماوراء طبیعت، به زمان یا مکان خاصی از جهان اختصاص ندارد، بلکه به گواهی تاریخ باستانی اقوام مختلف، اعم از متمدن و ابتدایی، اعتقاد به خدا و مبدأ جهان، در میان تمام ملل وجود داشته است. بنابراین، یکی از مهمترین مسائلی که بشر با آن مواجه بوده است، خدا و خداشناسی است؛ یعنی این که انسان از کجا آمده است و به کجا می‌رود و به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ (لقمان/۲۵)، وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا (اعراف/۱۷۲) و همچنین (انعام/۷۹، ۷۱، ۱۴، ۱۶۴). بدین ترتیب، مسئله مهمی که همیشه ذهن انسان جستجوگر را به خود مشغول می‌کند، شناخت خداست که در عین سادگی، ممکن است بسیار هم دشوار باشد. اگر انسان از راه درست خداشناسی در این وادی قدم گذارد، به شناخت یا دریافتی در حد عقل و بینش خود دست خواهد یافت و چنانچه از مسیر طبیعی آن منحرف شود، با مسئله‌ای بس پیچیده و مشکلی بزرگ مواجه خواهد شد. در رویکردی عرفانی، یکی از راههای اساسی شناخت خدا را درک تجلی خداوند در همه پدیده‌ها بیان می‌کند؛ به این معنا که خلق عین حق است و خالق و مخلوق از هم جدا نیستند. عالم وجود، پرتو تجلی حق است و خدا در صورت عالم جلوه گر می‌باشد:

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست
عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست
... هر جا نگری جلوه گر شاهد غیبی است
او را نتوان گفت کجا هست و کجا نیست

(عبرت نائینی، ۱۳۷۶: ۲۴۹)

شاعر کودک برای رسیدن به هدف غایی که خداشناسی است از آیه «مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم/۱۲۴)» استفاده می‌کند و با زبانی کودکانه این مفاهیم را این گونه می‌سراید:

در غرش رعد/ در ناله باد/ در گریه ابر/ بر دشت آباد// در قامت کوه/ در چهره خاک/ در غنچه گل/ در چشمه پاک// در هر ستاره/ در نور خورشید/ در روی مهتاب/ وقتی که خندید// در بیشه سبز/ در کوچ مرغان/ در پیچش رود/ در شعر باران// هر گوشه دیدم/ لطف خدا را/ من دوست دارم / این آیه ها را.(علاء: ۱۳۹۰: ۲)

جهان آفرینش، کتاب آیات الهی و هر کدام از پدیده ها حروفی و کلمه ای از آن و مجموعه ای از شگفتی هاست که راز آفرینش انسان، آسمان و زمین، شب و روز، ماه و خورشید، آب و باد و باران، کوهها و ... (الرحمن/۱۴ - انعام/۲ - حجر/۳۳ - مریم/۶۷ - روم/۲۲ و...) را در خود دارد. اندکی تامل و تفکر در زیبایی ها و پدیده های طبیعت ابزاری کارآمد است که می تواند ذهن هر پرسشگر حقیقت جو را به تفکر واداشته و به سر منشا هستی رهنمون کند. آیه: «... إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱) و «وَ كَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف/۱۰۵) و آیات متعدد دیگر از قرآن (آل عمران/۱۹۱- رعد/۳۴ - نحل/۱۱ و ۱۲ - مومنون/۸۰ - جاثیه/۱۳ - روم/ ۲۴، ۲۸ و...) انسان را به تدبر و تفکر در نشانه های هستی دعوت کرده و هدف اصلی آن، رساندن انسان به حقیقتی بزرگ یعنی شناخت خداوند متعال است.

بهترین زمان آموزش، دوران کودکی است؛ زیرا اعتقاد به خدا، به زندگی او جهت می دهد و در درک معنای زندگی، بسیار کمک کننده است. شاعران کودک نیز بر همین مبنای قرآنی خداشناسی را تعلیم داده اند. شاعران کودک برای شاعرانه ساختن و ایجاد تناسب موضوع و مخاطب، به اقتضای فهم و درک مخاطب از مظاهر آشنای طبیعت که در حوزه ذهنی کودک وجود دارد استفاده می کرده اند و از این طریق لحنی کودکانه به شعر بخشیده اند. آن چنان که در این ابیات دیده می شود که شاعر از گل ها و درختان، کودک را متوجه خالق می سازد و با اشاره به نقاشی که یکی از علایق کودک است، خداوند را نقاش گل ها و گیاهان می داند:

دیروز می گشتم / در باغ زیبایی // آنجا پر از گل بود / به به چه گل هایی // برگ درختان را / باران صفا می داد // دلتنگی گل را / بلبل شفا می داد // گفتم به گوش باغ، / این نقش ها از کیست؟ // پیداست استاد است / نقاشی اش عالی است! // آن باغ زیبا گفت: / نقاش این دنیا، // تنها خداوند است / آن خالق یکتا.(صمصامی، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۵)

شعر بالا ارتباط مفهومی نزدیک با آیات قرآن دارد:

وَ هُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوسَاتٍ وَ غَيْرَ مَّعْرُوسَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مَتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مَتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام/۱۴۱)

همچنین: (فرقان/۴۸)، (حج/۶۴) و (توبه/۸۹).

تخیل در کودکان به مراتب قوی تر از بزرگسالان است، اما به دلیل محدودیت دایره واژگان نمی‌توانند مفاهیم پیچیده انتزاعی و ذهنی را به طور دقیق در قالب واژگان به تصویر بکشند. شاعر علیرغم آگاهی به روابط علی و علمی اشیای جهان اطراف خود، در لحظه سرودن این آگاهی را کنار می‌گذارد (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰) و بیشتر جذب دنیای عینی می‌شود، بنابراین شاعر در شعر زیر برای بیان منظور خود از مظاهر آشنای طبیعت که مطابق تخیل و علاقه و میل کودک است، همچون سنجاقک، رنگین‌کمان، درخت، گل، پروانه و ... بهره گرفته است:

به نام خداوند رنگین‌کمان / خداوند بخشنده ی مهربان // خداوند سنجاقک رنگ رنگ / خداوند پروانه‌های قشنگ // خدایی که آب و هوا آفرید / درخت و گل و سبزه را آفرید // خدایی که از بوی گل، بهتر است / صمیمی تر از خنده مادر است // خدایا به ما مهربانی بده / دلی ساده و آسمانی بده // دلی صاف و بی‌کینه، مانند آب / دلی روشن و گرم، چون آفتاب. (پور وهاب، ۱۳۹۵: ۱۰)

یکی از شیوه‌های مهم شاعران ادبیات کودک، برگزیدن لحن مناسب مخاطب است، به گونه ای که وقتی حتی شعری در در زمینه خداشناسی تضمین می‌کند، سعی دارند لحن را تغییر دهند. کریمی در تربیت دینی کودکان به مساله توجه به زیبایی شناسی به عنوان یک عنصر اساسی، توجه و آفری نموده است. وی معتقد است «هدف از عنصر زیبایی شناسی در تربیت این است که هرگونه اثر تربیتی در قالب رفتار، کلام، الگو، نصیحت، تجربه، آموزش و ... به پرده ای زیبا با تصاویری دلنشین همراه با لحظات جذبه از درون متربی بدل شود. در غیر این صورت مهم ترین، حقیقی ترین و درست ترین رفتارها و پیام ها و نصیحت ها نه تنها موثر نخواهد بود بلکه زمینه کار تربیتی را در مراحل بعد نامساعد می سازد.» (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۷)

شاعر کودک برای بیان خداشناسی که از دو راه خود شناسی و هستی شناسی قابل حصول است، هستی شناسی و تدبر در شگفتی های طبیعت، آسمان، زمین، آب، گیاه، آفتاب، باران و ... را بهترین شگرد برای آشنایی کودک با خدا می داند. (رک. اپلت: ۱۳۹۰) در قرآن هم در آیاتی به این امر اشاره شده است:

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (ذاریات/۲۰)، سَتَرْنَاهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت ۵۳).

گفتنی است شاعر ادبیات کودک از ظرفیت های زبانی موسیقی و تخیل در تصویر زیبایی های طبیعت برای برانگیختن عواطف و همسوسازی کودک با طبیعت استفاده می کند تا با بیانی زیبا توجه کودک را به جهان پیرامون و زیبایی های اطراف جلب نماید. در شعر زیر، شاعر برای آشنا سازی

کودکان با خدا به طریق هستی شناسی، بیت معروف سعدی را در شعر خود حل کرده و برای آنکه فهم آن برای کودک دشوار نباشد، به تفسیر آن پرداخته است:

سعدی شیرین سخن / گفت به فصل بهار: / « برگ درختان سبز » / با خط رخشان سبز، / هر ورقش دفتری است، / معرفت کردگار. // « معرفت کردگار » / دیدن این عالم است، / زنده بیدار باش، / چشم خریدار باش، / خوب جهان را ببین، / هر چه ببینی کم است. // بر ورق سبز برگ / خط خدا را بخوان، / زمزمه آفتاب، / نغمه شیرین آب، / نثر دل انگیز خاک / شعر هوا را بخوان. // « برگ درختان سبز / در نظر هوشیار » / آینه رازهاست، / جلوه روی خداست / « هر ورقش دفتری است / معرفت کردگار. » (کیانوش، ۱۳۵۸ الف : ۵۹-۶۰)

شاعر با تصرف ذهنی در مفهوم طبیعت، در صدد برقراری ارتباط بین انسان و طبیعت است که به این تصرف ذهنی خیال اطلاق می شود (ر.ک شفیع، ۱۳۷۵: ۲) بی شک شعر، حاصل تموج روح است که از ضمیر ناخودآگاه شاعر و تصرف ذهنی او در قالب خیال بروز می کند. بنابراین شعر در دنیای خیال انگیز کودک دارای جایگاه خاص و ایزاری برای برانگیختن و به هیجان درآوردن احساسات و عواطف درون اوست. شاعر کودک با توصیف پدیده های طبیعت و زیبایی های آن، رنگارنگی فصول و زیبایی های محسوس دنیای پیرامون او علاوه بر ایفای رسالت شاعری در انتقال مفاهیم اخلاقی و آموزشی، با جان بخشی و احساس دادن به پدیده ها و عناصر طبیعت کودک را از لذت های طبیعی بهره مند می کند.

تو شروع حرفهایی / تو صدای آبخاری / تو رسیدن پرستو / تو خود خود بهاری... تو همان ترانه ی شاد / به نوک پرنده هایی / همه جا حضور داری / تو خدای خوب مایی. (لطف الله، ۱۳۸۷: ۶۰)

۲- خداشناسی از طریق اشاره به نعمت های آشنای خداوند

خداوند نعمت های پنهان و آشکار بی شماری را در جهان هستی برای انسان موهبت نموده است و قرآن کریم صراحتاً به این موضوع اشاره دارد « أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً » (لقمان/۲)، تا نعمت های خداوند را متذکر شود و انسان گرفتار غفلت و بی خبری به خود آید و در این نشانه ها به تفکر و تدبر بپردازد. بنابراین یادآوری، تذکر و تکرار نعمت های الهی یکی از شیوه های موثر تربیتی قرآن است. این تکرار و تاکید برای به یاد داشتن نعمت ها جهت تدبر و انتباه انسان و اینکه آفرینش او بیهوده نیست بلکه برای هدفی والاست که آغاز آن، شناخت طبیعت، خود و انجام آن شناخت خداوند همراه با طمأنینه و ایمان قلبی است:

«... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا - وَ در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده ای» (آل عمران/۱۹۱)

و در آیه «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» (اعراف / ۶۹) و آیاتی دیگر (بقره/۲۳۱ - آل عمران/۱۰۳ - فاطر/۳ - اعراف/۷۴) با لفظ «أَذْكُرُوا» و «فَاذْكُرُوا» نعمت‌ها و موهبت‌های الهی به انسان یادآوری می‌شود. شیوه یادآوری نعمت‌های بی‌شمار الهی یکی از موثرترین شیوه‌های تربیتی و غیر مستقیم برای آگاهی بخشی و رشد معنوی انسان‌ها و ایجاد حس شکرگزاری، خضوع و پرستش برای ادای حق الهی است. «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى - پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید روا می‌داری؟» (نجم/۵۵) «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ - آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند.» (الأعراف / ۱۸۵)

قرآن کریم نیز که «بی‌شمار» بودن نعمت‌های الهی را یادآور می‌شود و این که از توان احصا و شمارش بشر خارج است، در سراسر قرآن، نعمت‌های خدا را بازگو می‌کند، تا بشر یکی از هزاران و قطره‌ای از اقیانوس نعمت‌ها را بشناسد و از یاد نبرد و در سایه این معرفت، به ادای حق الهی بپردازد. «وَإِنْ تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا تُحْصَوْنَهَا» (نحل / ۱۸) هر چند، ادای شکر این همه نعمت، میسر نیست. سعدی گوید: از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید (سعدی، ۱۳۷۰: ۱۰۷)

امیرمؤمنان علی (ع) در ناتوانی انسان از حمد خدا و شمارش نعمت‌هایش می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ: سپاس‌خداایی را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارگران شمردن نعمت‌های او ندانند.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، خطبه ۱: ۲)

ادبیات کودک نیز با الهام از این شیوه تربیتی دینی، انواع نعمت‌های الهی را با زبان و تصاویری متناسب با ذهن کودکان متذکر می‌شود تا مخاطبان آنها ضمن شناخت خداوند، ستایش‌کننده و سپاسگزار خالق خود باشند و ضمن شکرگزاری، عشق و محبت عمیق الهی را در دل خود جای دهند تا از این طریق در مسیر تربیت دینی صحیح و پرورش و رشد شخصیت خود پویا باشند. شاعر کودک با تجلی مفاهیم دینی و بازآفرینی آموزه‌های قرآنی علاوه بر بروز احساسات، بیان اندیشه و اعتلای شعر خود، کودک را غیر مستقیم به خداشناسی رهنمون و با رستگاری آشنا می‌کند.

در این راستا عناصر زیبایی‌شناسانه از مهمترین مؤلفه‌های اعتباربخشی شعر کودک و جذب آنان به سوی خود است «علاوه بر وزن و قافیه و ردیف که به عنوان ابزارهای تغییر دهنده نثر به نظم در سطح زبان، دخل و تصرف می‌کنند، عناصر دیگری نیز در این زمینه دارای اهمیتند که با کارکرد متنوع خود، بر بار موسیقایی زبان می‌افزایند» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۴۳).

در شعر زیر شاعر به کمک صورخیال، موسیقی درونی و بیرونی، تکرار و صنعت سیاقه الاعداد در صدد افزایش آهنگ و موسیقی بیشتر برای برقراری ارتباط موثر و جذب کودک است:

شب‌نم از اوست، آفتاب از اوست/ آتش و باد و خاک و آب از اوست/ در دل باغ و کهکشان هر شب/ شاخه روشن شهاب از اوست/ گریه ابر و خنده خورشید/ نور باران ماهتاب از اوست/ سبزی و زردی و بهار و خزان/ رنگ و بوی گل و گلاب از اوست/ غم و شادی و مهر و بیم و امید/ هرچه خواندیم در کتاب از اوست/ روی دفتر اگرچه نام من است/ همه شعر های ناب از اوست. (نیک طلب: ۱۳۹۴: ۶)

از شگردهای شاعر برای ارتباط با کودک استفاده از موسیقی است. موسیقی شعر کودک مقدمه و پیش‌درآمد اصلی و راه ارتباط کودک با شعر است. کیانوش موسیقی شعر را پیش‌درآمدی بر ایراد پیام و مفاهیم در شعر می‌داند او معتقد است که «کودک زیبایی کلام را در موسیقی باز می‌یابد و معانی را با موسیقی می‌آموزد... زیرا هوش او هنوز دریچه‌ای است گشوده بر گوش او، و اگر گوش او را خوش آید، هوش او را نیز خوش آید». (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۵) در شعر زیر شاعر به کمک موسیقی کودک را با نعمت‌های الهی آشنا می‌سازد و این باعث می‌شود که نسبت به این نعمت‌های خداوند شکرگزار باشد:

می‌شمارم سبزه‌های دشت را / «می‌شمارم برگ‌های باغ را»

می‌شمارم سیب‌ها را بر درخت / «می‌شمارم بانگ کبک و زاغ را»

... می‌شمارم نام‌هایت را خدا/ تا بدانم مهربانی چندتاست!

مهربانی، بی‌نهایت، بی‌شمار / از شمارش خارج و بی‌انتهاست (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۴)

نیروی تخیل، جوهر اصلی شعر و از موثرترین ابزارهای تأثیرگذار بر عواطف و احساسات است بی‌گمان کمال ارزش تخیل در بار عاطفی آن است. تخیلی که مجرد باشد تا از بار عاطفی برخوردار نشود ابدیت نمی‌یابد. «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۰». بنابراین آفرینش تصاویر خیالی توسط شاعر باید با فضای فکری و ذهنی کودک و متناسب با اندیشه او باشد تا بتواند با او ارتباط برقرار کند و عواطف او را برانگیزد. محمود کیانوش در شعر زیر با عنوان «از تندرستی چه بهتر؟» یکی از نعمت‌ها - نعمت تندرستی - که خداوند به انسان‌ها داده هرچند گاهی از آن غافل هستند را با فضاسازی و تصویرپردازی زیبا و قابل‌درک برای کودکان، به خوبی ترسیم می‌کند:

تب داشتم دیروز و دیشب/ در رختخواب افتاده بودم؛/ وقتی که خیلی تند شد تب / در پیچ و تاب

افتاده بودم// می‌خواستم برخیزم از جا،/ می‌کرد چشمانم سیاهی؛/ در جای خود ماندم ، خدایا،/ با

حال بد، خواهی نخواهی // از آفتاب پاک و روشن / خیلی بدم می آمد آن وقت؛ / انگار دعوا داشت با من، / در چشمم آتش می زد آن وقت // از پنجره، شب، ماه از دور / انگار شکلک در می آورد. / تب را که قدری بود پرزور، / با خنده بالاتر می آورد // از هرچه خوب و دیدنی بود / در حال تب بیزار بودم؛ / با تن پر آتش، سر پر از دود، / نه خواب، نه بیدار بودم // حالا که صبح است و هوا خوش، / حالا که دیگر تب ندارم؛ / حالم شده، شکر خدا، خوش، / جز یادی از دیشب ندارم // دنیا دوباره خوب و دلخواه، / خورشید خوب و مهربان است؛ / از پنجره، بی ناله، بی آه، / چشمم به سوی آسمان است // گویم: خدایا، در جهانت / از تندرستی چیست بهتر؟ / از داده های بیکرانت / چیزی از این یک نیست بهتر! (کیانوش، ۱۳۷۰: ۸۲-۸۴)

۳- خداشناسی از طریق معرفی صفات خداوند

ادراک کامل ذات و صفات خداوند متعال برای انسان میسر و ممکن نیست، ولی انسان می تواند از راه های مختلف روزنه ای به ساحت ربوبی بیابد و به آن ساحت متعالی در حد توان محدود خود شناخت پیدا کند. منبع همیشه جوشان قرآن و سنت، حقایق بسیار ژرف و معارف گسترده ای را در زمینه خداشناسی و شناخت اوصاف الهی در اختیار بشر قرار می دهد. معارفی که عقل آدمی به تنهایی از شناخت آن ناتوان است و یا آن که با دشواری فراوان به درک آن نایل می شود. آشنا ساختن کودکان با این اوصاف، شگردها و مهارت های خاص خود را می طلبد و باید به گونه ای برای آنها بیان شود که در کنار فهم و درک این اوصاف، موثر هم واقع شود. بسیاری از صفات خداوند در ادبیات کودک برای کودکان آورده شده است که با زبان و تصویری متناسب کودکان به آنها آموزش داده شود. در ذیل چند نمونه ذکر می شود.

۳-۱- مهربانی خدا

خداوند متعال خود رادر قرآن کریم با صفات زیادی به بندگان معرفی نموده است؛ صفاتی که هرکدام جلوه ای از جمال و جلال الهی را به نمایش می گذارد. صفت رحمت یکی از این صفات است که در بیش از ۵۰۰ آیه از آن سخن به میان آمده است. برای تبیین این صفت خداوند، یکی از شیوه های شاعران کودک، اشاره کردن به افراد مهربانی چون پدر و مادر است و از این طریق، در کنار آنها از مهربانی خداوند نیز یاد می کند تا به واسطه آشنایی کودک با محبت والدین، مهربانی خداوند نیز به گونه ای غیرمستقیم برای کودک محسوس گردد:

" خدای خوب " مادر، بیاکه خواب / چشم مرا گرفت؛ / در زیر پلک من / آهسته جا گرفت. // با دست مهربان / دست مرا بگیر؛ / یک بوسه ام بده ، / از من دو تا بگیر. // در گوش من بگو / با آن صدای

خوش، آرام قصه ای / از قصه های خوش:// « یک مادر و پدر/ با بچه های خوب/ در یک جهان پاک/ با یک خدای خوب.» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۴-۵)

تخیل فصل ممیز زبان عادی از ادبیات است لیکن شیوه خیال پردازی در شعر بزرگسال و کودک به نسبت آگاهی فکری و تلقی آنان از حقیقت، طبیعت و دنیای پیرامون آنان متفاوت است. تصاویر خیالی در شعر بزرگسال دارای پیچیدگی و اغلب ذهنی است اما در شعر کودک بخاطر احساسات رقیق و قدرت خیال پردازی و شناخت آنان از زندگی و طبیعت بیشتر تصاویر خیالی سطحی و همانند سازی- تشبیه - از نوع حسی به حسی است و مفاهیمی ذهنی برای انطباق با زندگی عادی کودکان به عینی و حسی مانند و غالب تشبیهات محسوس به محسوس است در شعر زیر شاعر با توصیفات ساده و تشبیهات ساده مهربانی خداوند و نعمت های او را برای کودک برمی شمارد:

به نام خداوند رنگین کمان/ خداوند بخشنده مهربان/ خداوند زیبایی و عطر و رنگ/ خداوند پروانه های قشنگ/ خداوند باران و نقل تگرگ/ نفس های باد و تپش های برگ/ خدایی که لبریز آرامش است/ طرفدار سرسبزی و دانش است/ خدایی که از بوی گل بهتر است/ و از نور و باران صمیمی تر است/ خدای صمیمی، خدای سلام/ خدای غزل، قصه ناتمام/ خدایا به ما مهربانی بده/ دلی ساده و آسمانی بده/ دلی چون دل کوچک باغچه/ پر از بال سنجاک باغچه/ دلی مثل گلخانه ی دوستی/ پر از عطر و پروانه دوستی/ دلی که به عشق تو وا می شود/ پر از رنگ و بوی دعا می شود. (پوروهاب، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۷)

خداوند در قرآن کریم خود را با صفت « ... فَأَلَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ الرَّحِيمُ الرَّحْمَنُ ». (یوسف/ ۶۴) معرفی و شعبان نژاد در شعری با عنوان «مهربان تر از همه» خداوند را این گونه برای کودکان توصیف می کند: مهربان تر از مادر/ مهربان تر از بابا/ مهربان تر از آبی/ با تمام ماهی ها/ مهربان تر از گلها/ با دو بال پروانه/ مهربان تر از باران/ با درخت و با دانه/ مهربان تر از خورشید/ با گل و زمینی تو/ تو خدا، خدا هستی/ مهربان ترینی تو. (شعبان نژاد، ۱۳۸۶: ۲۳)

تخیل اساس تصویرسازی های شاعرانه است و در شعر کودک عنصر خیال، موجب تقویت ذهن و اندیشه و باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری در کودک می شود و روح و روان او را تلطیف می کند علاوه بر آن ذهن کودک را از ورطه عادت زدگی می رهاوند و به او نگاهی برتر و هنری می بخشد که باعث می شود شناخت عمیق و کافی پیدا کند تا همه چیز را بهتر ببیند.

۳-۲- خالق بودن

خالقیت جزو صفات ذاتی خداوند سبحان است، خداوند از ازل خالق بوده و تا ابد نیز خالق خواهد بود آیات زیادی در قرآن به این صفت خدا اشاره دارد: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره/۲۹) و خَلَقَ الْإِنْسَانَ (الرحمن/۳) از آنجا که «دنیای کودکان، دنیای خیال است، به کمک تشبیه در اشعار کودکان می‌توان آنان را به عالم مخصوصشان هدایت کرد. البته هر تشبیهی نمی‌تواند برای کودک مناسب باشد؛ اینجاست که یک شاعر آشنا، با به‌گزینی تشبیهی مناسب با روحيات کودکان، می‌تواند متبحرانه اندیشه خود را در شعر کودک منسجم کند.» (نیک خواه، مظاهر و نیک خواه، نفیسه، ۱۳۹۱: ۱۴۱) در شعر زیر شاعر صفات خداوند را با تشبیهات محسوس به مخاطب یادآوری می‌کند:

در آسمان بیکران / ستارگان نشسته اند / چه خوشه خوشه اند / چه دسته دسته اند / کدام دست باهنر / کشیده این ستارگان / کشیده است و می‌کشد / ستارگان بر آسمان / چو باغ آسمان ما / پر از جوانه میشود / دلم ز نغمه های شب / پر از ترانه می‌شود / نشسته ام به یاد تو / تو ای خدای مهربان / چه خوب آفریده ای / بر آسمان ستارگان (شعبانی، ۱۳۸۶: ۲۴)

دیروز می‌گشتم / در باغ زیبایی // آنجا پر از گل بود / به به چه گل هایی / برگ درختان را / باران صفا می‌داد // دلتنگی گل را // بلبل شفا می‌داد / گفتم به گوش باغ، / این نقش‌ها از کیست؟ // پیداست استناد است / نقاشی اش عالی است! / آن باغ زیبا گفت: / نقاش این دنیا، // تنها خداوند است / آن خالق یکتا (صمصامی، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۵).

و ابراهیمی در شعری دیگر با بیانی هنری و شاعرانه هر کدام از پدیده های هستی را با آرایه تقسیم نشانی از آیات الهی می‌داند:

هر باد و هر نسیمی / پیغامی از تو دارد / این، حرفی از تو در دل / آن، نامی از تو دارد.
یک نقش ساده از توست / هر جویبار جاری / تکرار نامی از توست / آواز هر قناری
... آواز پوپک از توست / پرواز لک لک از توست / آن آسمان و این خاک / یک شعر کوچک از توست. (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۲)

۳-۳- هدایتگر و راهنما بودن خداوند

رهنمون کردن انسان و دیگر موجودات به راه راست، از صفات خداوند است و با توجه به برخی از آیات قرآن هدایت شامل همه انسان‌ها، و قرآن نیز کتاب هدایتگر برای همه مردم است. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره بقره قرآن را کتاب هدایت برای همه مردم می‌داند و می‌گوید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» اما برخی از آیات دیگر، هدایت را مختص مومنین، متقین، محسنین و ... می دانند و قرآن نیز تنها هدایتگر این افراد است. به عنوان مثال در آیاتی گفته شده: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۱)، «هَذَا بَيِّنٌ لِّلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۸)، «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان/۲ و ۳)، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹)

«هدایت» در قرآن به دو معنی می باشد: ۱- هدایت تکوینی که مربوط به تمام موجودات جهان می شود. ۲- هدایت تشریحی که با ارسال پیامبران و کتب آسمانی از سوی خداوند برای هدایت انسان انجام می گیرد.

ای خدای مهربان سلام! / من / راه را دوباره اشتباه رفته ام / مثل این که توی چاله ی گناه رفته ام / لطف کن دوباره ای خدا / راه را به من نشان بده / توی چاله گیر کرده ام / باز هم به بال های من / قدر یک پریدن آسمان بده. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲)

و شاعری دیگر درخواست تغییر و هدایت برای بهتر شدن دارد:

خدایا، خدایا، تو مارا کمک کن / که جانهای ما روشنایی بگیرد / گزارد فرو خوی اهریمنی را / شود پاک و خوی خدایی بگیرد // خدایا، خدایا، تو مارا کمک کن / که از کینه در ما نماند نشانی / بگیر از همه فتنه و دشمنی را / به هر کس عطا کن دل مهربانی // خدایا زمین تو دیگر نیازی / به یک حال و روز خوش و تازه دارد / مدد کن که خوبی نگردد فراموش / بدی بس، خدایا، بد اندازه دارد. (کیانوش، ۱۳۵۸ الف: ۱۹)

۳-۴- بزرگ بودن خدا

درک عظمت و بزرگی خداوند، برای کودک دشواری خاصی دارد. تنها استفاده از صفت بزرگ برای خداوند موجب تبیین این ویژگی در ذهن کودک نمی شود از همین روی برخی شاعران با وصف مظاهر پرشکوه و بزرگ هستی مقدمه ای فراهم می آورند و با این زمینه چینی اشاره به بزرگی خداوند می کنند. آن چنان که در شعر زیر، شاعر با اشاره به عظمت خورشید و آسمان و مهابت پدر، اشاره می کند که خداوند از همه بزرگ تر است. تمهیدی دیگر که شاعر در این زمینه به کار گرفته، استفاده از روایت اول شخص است که قدرت زیادی در باورداشت کودک دارد زیرا مخاطب، شعر را زبان حال خود می داند:

گفتم پدر را دوست دارم، / چشمم به سوی آسمان بود، / خورشید می خندید و گوشش / بر گفت و گوی آسمان بود. // شاید صدایم را شنیدند، / چون هر دوشان ماندند خاموش؛ / شد گفت و گوی شاد

آنها/ با حرف من گویی فراموش.// کرد آسمان، با چشم خورشید/ در چشم های من نگاهی.// گفتم،/ مگر، آی آسمان، من / با حرف خود کردم گناهی؟// او گفت: نه، اما نگاهت/ انگار حرف دیگری داشت./ ما را چرا می دید کوچک؟/ از ما مگر بالاتری داشت؟// گفتم: بله. در سینه من/ مهر پدر صد آسمان است./ در چشم من بالاتر از او/ تنها خداوند جهان است! (کیانوش، ۱۳۵۸ ب: ۵۸-۵۹)

نیز در شعر زیر، شاعر برای نشان عظمت خداوند، به آفریده‌های او اشاره می‌کند:

شب‌نم از اوست، آفتاب از اوست/ آتش و باد و خاک و آب از اوست// در دل باغ و کهکشان هر شب/ شاخه روشن شهاب از اوست// گریه ابر و خنده خورشید/ نور باران ماهتاب از اوست// سبزی و زردی و بهار و خزان/ رنگ و بوی گل و گلاب از اوست// غم و شادی و مهر و بیم و امید/ هر چه خواندیم در کتاب از اوست// روی دفتر اگرچه نام من است/ همه شعر های ناب از اوست. (نیک طلب: ۱۳۹۴: ۶)

۴- ستایش و تحمید خداوند

راز و نیاز و گفتگو با خداوند از کهن‌ترین موضوعات شعری است که از یک‌سو دربردارنده مضامین و اندیشه‌های متعالی و پشتوانه عمیق از طریق به‌کارگیری تلمیح به آیات و احادیث است و از سوی دیگر از حیث ادبی جزو هنری‌ترین و تاثیرگذارترین اشعار محسوب می‌شود که در آن هنرمند با زبان و لحنی خاضعانه به ستایش پروردگار و راز و نیاز و گفتگو با او می‌پردازد. قرارگیری شاعر در برابر عظمت و توانایی خداوند موجب می‌شود موضوعات مختلفی را با او در میان نهد از همین منظر محتوای گفتگو و راز و نیاز با خداوند بسیار گسترده و متنوع است و این نوع اشعار بستری است که شاعر از احساس و عواطف خود نسبت به او، آرزوها و تمایلات و گاه گلایه‌ها و شکایات خود از مردم زمانه با وی مطرح می‌کند. در قرآن، انسان بارها به عبادت و راز و نیاز با خداوند فرا خوانده شده است... شاعران ادب کودک نیز در راستای این آموزه، تحمیدیه و راز و نیازهای متنوعی سروده و صفات مختلفی از خداوند را که بنیادی قرآنی دارد در آن ذکر کرده‌اند:

پروردگارا،/ بخشنده پاک،/ سازنده جان/ از گوهر خاک،// ما را نیرومند/ در جان و تن کن./ دل‌های ما را / شاد و روشن کن.// از راز خوبی / داناییمان بخش؛/ در تاریکی ها/ بیناییمان بخش.// نامت می‌راند/ هر بدبختی را؛/ آسان می‌دارد/ بر ما سختی را.// دور از یاد تو/ سرگردان هستیم؛/ با درد بسیار/ بی درمان هستیم.// در انسان بودن/ یاری کن ما را/ از مهر و پاکی / پر کن دنیا را.(کیانوش، ۱۳۵۸ ب: ۴۲-۴۳)

یکی از مهمترین کارکردهای تحمیدیه در شعر بخصوص شعر کودک، ایجاد حس خضوع و فروتنی نسبت به خداوند است. سوز و گداز و حس تضرع و فروتنی و صمیمیت لحن در آن به حدی

است که مجالی برای اظهار فضل و خودنمایی نمی‌گذارد. زبان و بیان هنرمند به آن درجه از شفافیت و روانی می‌رسد که گاه در ذهن مخاطبان نقش می‌بندد و مانند ذکری مقدس گاه در شروع کار یا نیایش‌های خود آن را بر زبان جاری می‌سازند:

دعا که می‌کنی، خدا/ تو را نگاه می‌کند/ شب سیاه را پر از / بلور ماه می‌کند// دعا که می‌کنی، دلت / پر از سپیده می‌شود/ میان هر قنوت تو/ بهشت، دیده می‌شود// پر از فرشته می‌شود/ اتاق بی ریای تو/ دوباره خیس می‌شود/ ز عطر گل، عبای تو // صدای تو سکوت را/ هزار تکه می‌کند/ به روی جانماز تو/ ستاره چکه می‌کند//... شکفته بر لبان تو/ شکوفه‌های ربنا/ چه باصفاست، لحظه‌ای/ که می‌کنی خدا خدا... (هنرجو، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹)

در شعر بالا شاعر با بیان موزون و مخیّل، عاطفه و احساس کودکانه را در قالب کلمات ریخته است و به همراه موسیقی جلوه و جذابیت به شعر بخشیده است.

یکی دیگر از عناصر زیبایی شناسی شعر کودک، تشخیص است که شاعر با کمک نیروی تخیل و تشخیص بخشیدن به پدیده‌های بی‌جان و با خلق تصاویر پویا، به هر چیز بی‌جان زندگی و حیات می‌بخشد. به مدد این نیرو همه چیز در برابر چشمان شاعر، زنده است. این آرایه با حالات روانی کودک تناسب دارد. در نگاه کودک اشیاء جانداراند. به گونه‌ای که می‌توان گفت جاندار پنداری و تشخیص یکی از شاخصه‌های شعر کودک است و در همه شعرهای کودک به وفور دیده می‌شود:

درخت‌ها و سنگ‌ها/ نشسته‌اند در سکوت/ یکی به سجده رفته است/ گرفته‌آن یکی، قنوت به سوی آسمان، بغل/ گشوده رود مهربان/ و بوسه می‌زند به آب / نگاه گرم آسمان علف و بوته، پیش هم/ نشسته، فکر می‌کنند/ و ریگ‌ها کنارشان/ دعا و ذکر می‌کنند به روی شاخه‌ای بلند/ پرنده‌ای نشسته است/ مسافری ست در نماز/ نماز او شکسته است پرنده و درخت‌ها/ و رود و سنگ و بوته‌ها/ همه به سجده رفته‌اند/ به سوی خانه خدا. (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۸)

گفتنی است عنصر خیال، تصرف ذهنی شاعر در طبیعت و محیط پیرامون خود است. در پناه این نیرو روابط پنهان و آشکار، تضادها و تشابهات و تناسبات خیالی کشف و دنیای اطراف خود را مطابق سلیقه، جهان بینی و اندیشه خود بازآفرینی می‌کند:

گاهی دعای ما/ مثل پرستویی ست/ که با هوای سرد،/ می‌کوچد از اینجا/ تا دشت‌های دور، خیلی دور.// گاهی دعای ما/ گنجشک‌های شکل هم هستند/ که صبح‌ها پر می‌دهند از شوق،/ آوازشان را تا خدا،/ تا قله‌های نور.// من دوست دارم هر چه باشد، هر کجا باشد،/ رنگ دعای ما،/ رنگ خدا باشد. (ملا محمدی، ۱۳۹۲: ۵۹)

عنصر خیال در شعر کودک امری لازم برای شناخت کودک از خود و کشف محیط پیرامون اوست. همچنین بهترین ابزار برای تقویت خیال پردازی، در خلق دنیای آرمانی و آرزویی کودک است و بستر مناسبی را برای کشف ارتباط تصاویر عینی و ذهنی ایجاد می کند تا به درک ژرف و متفاوتی از دنیای پیرامون خود نائل آید.

شاعر در شعر فوق با نیروی خیالی و همانند سازی دعا - امری ذهنی - را به پرستو و گنجشک - امری حسی تشبیه می کند و این نوع تشبیه - ذهنی به حسی - و حسی به حسی در شعر کودک به تناسب درک او از محیط اطراف نسبت به تصاویر خیالی دیگر شیوع بیشتری دارد. همچنین نکته قوت شعر، فراخوانی کودک - به طور غیر مستقیم - به دعا و نیایش است و آرزوی او این است که کودک معاصر، انسانی خدایی باشد.

نتیجه

معرفی خدا در شعر به اقتضای درک و فهم مخاطب آن، ظرافت خاصی می طلبد و نیازمند برداشت‌های غیرمستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و متعالی قرآن و انتقال آن در فضایی خیال‌انگیز و کودکانه است. شاعران ادبیات کودک شگردهای مختلفی به کار گرفته‌اند. تقریباً در همه این اشعار، خدا با رویکردی عاطفی و لحنی کودکانه و دوری از فاضل‌نمایی و دشوار گویی به کودک معرفی می شود به گونه ای که شاعر به جای کودک می نشیند، به جای او و با زبان او شعر می سراید که این امر، بار عاطفی شعر را بیشتر می کند. یکی از راههای شناخت خداوند توجه به مظاهر آفرینش است؛ معرفی این مظاهر با تشبیه و جان بخشی برای کودک جذاب تر و گیراتر است. از دیگر شیوه‌های خداشناسی اشاره به نعمت‌های خداوند است تا از این طریق انسان شکرگزار باشد. در این مرحله نیز شاعر با لحنی کودکانه و با استفاده از صورخیال و موسیقی گوش نواز، به نعمت‌های آشنای خداوند چون تندرستی اشاره می‌کند و از این طریق یکی از وجوه خداشناسی را به وی می‌آموزد. معرفی صفات خداوند از طریق تشبیه و جاندارانگاری یکی دیگر از روش‌های شناخت بیشتر خداوند است. در این شیوه نیز شاعر ادبیات کودک با مصداق‌گرایی ابتدا به معرفی شخصیتی که کودک این صفت را در آنها دیده می پردازد و بعد این صفت را در خداوند بیشتر می‌داند.

منابع:

کتابها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه (۱۳۷۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۱)، می شمارم برگ های باغ را، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- امین پور، قیصر (۱۳۹۰)، به قول پرستو، تهران: نشر افق.
- پور وهاب، محمود (۱۳۹۵)، فارسی سوم دبستان (خوانداری)، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- زیدان، جرجی. (۱۹۸۳) *تاریخ آداب اللغة*. بی جا: دارالمکتبه الحیاه.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۷۰)، کلیات سعدی (تصحیح عباس آقبال آشتیانی)، تهران: نشر علم.
- سید هاشمی، محمد اسماعیل (۱۳۸۰)، خداگرایی و خداشناسی فطری: از دیدگاه قرآن حدیث کلام، تهران: دانشگاه شهید بهشتی مرکز چاپ و نشر.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰)، روانشناسی پرورشی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- _____ (۱۳۸۸)، روانشناسی پرورشی نوین: روان شناسی یادگیری و آموزش، ویرایش ششم، تهران: دوران.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷)، از این باغ شرقی (نظریه های نقد شعر کودک و نوجوان)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۵)، صور در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران: انتشارات سخن.
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۸۶)، خدایا تو خوبی (آثار شاعران معاصر برای نوجوانان)، تهران: کتاب نیستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۶)، خدایا تو خوبی (آثار شاعران معاصر برای نوجوانان)، تهران: کتاب نیستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۵)، تکه ای از دریا: گزیده شعر برای نوجوانان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- دولت آبادی، پروین (۱۳۶۸)، گل بادام، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- صمصامی، نسرین (۱۳۹۵)، فارسی سوم دبستان (خوانداری)، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- عبرت نائینی (مصاحبتی نائینی)، محمد علی (۱۳۷۶)، دیوان کامل عبرت نائینی، به تصحیح و اهتمام مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: انتشارات سنائی.
- علاء، افشین (۱۳۹۰)، نسیم دختر باد، تهران: قدیانی، کتاب های بنفشه.

فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۶)، احادیث و قصص مثنوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کیانوش، محمود (۱۳۵۲)، شعر کودک در ایران، تهران: آگاه.

_____ (۱۳۵۸ الف)، آفتاب خانه ما (دفتر ششم)، تهران: انتشارات توکا.

_____ (۱۳۵۸ ب)، طاق هفت رنگ، تهران: انتشارات توکا.

_____ (۱۳۷۰)، باغ ستاره ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵)، رویکردی نمادین به تربیت دینی با تاکید بر روش های اکتشافی، تهران: قدیانی.

لطف الله، داوود (۱۳۸۷)، پنجره های آسمان (۷۲ شعر درباره خداوند)، به همت بابک نیک طلب، تهران: نشر افق.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، جلد ۷۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ملا محمدی، مجید (۱۳۹۲)، کتاب شعرا (در کوچه های شعر): به کوشش افسانه شعبان نژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

نجفی، عبدالمجید (۱۳۹۰)، زیر گنبد کبود (صور خیال در شعر کودک)، تهران: انتشارات سوره مهر.

نیک طلب، بابک (۱۳۹۴)، نردبانی از ستاره، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هاشمی، سید سعید (۱۳۸۶)، خدایا تو خوبی (آثار شاعران معاصر برای نوجوانان)، تهران: کتاب نیستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هاشمی، منیژه (۱۳۹۱)، خوش به حال رودخانه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هنرجو، حمید (۱۳۸۷)، پنجره های آسمان (۷۲ شعر درباره خداوند)، به همت بابک نیک طلب، تهران: تجلی مهر

_____ (۱۳۹۱)، کاشکی مال من بود بالت، تهران: تجلی مهر.

مقالات

اسکندری، حسین (۱۳۷۳)، «بررسی مفهوم خدا در کودکان ۴ تا ۱۲ ساله»، در نشریه تربیت، شماره ۹۲، آبان، صص ۶-۹.

رسول زاده طباطبایی، کاظم، نصیرزاده، راضیه، خوشبخت، فریبا (۱۳۸۶)، «بررسی قدرت پیش بینی کنندگی خصوصیات دموگرافیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگی های والدین بر ادراک آنان از مفهوم خدا»، در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات روانشناختی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان، صص ۶۹-۸۵.

نوذری، محمود (۱۳۹۰)، «آموزش دینی در دوره کودکی: ارزیابی انتقادی رویکرد روان شناختی»، در دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ششم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، صص ۱۷۳-۱۹۲.

نیک خواه، مظاهر و نیک خواه، نفیسه (۱۳۹۱)، «بازتاب تشبیه در شعر کودک- مطالعه موردی سی

کتاب شعر کودک»، در پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۳، بهار، صص ۱۵۷-۱۴۱.